

مقدمه

علت این توجه و علاقه، شاید وجود هفت سیاره‌ی مشخص در آسمان؛ و یا وجود هفت رنگ مهم و اصلی در طبیعت؛ و یا وجود هفت سوراخ در سر آدمی، و یا چیز دیگر می‌باشد.

آیا تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید که چرا عدد هفت در بین افراد مختلف نسبت به سایر اعداد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؟

عدد هفت در ایران باستان

اولین عدد هفت مقدس که ثبت شده است، هفت پاره یا هپتن‌هاپتن در یسینا است که این هفت پاره از قدیمی‌ترین جزوات اوستا می‌باشد.

چرا برخی آن را خوش‌یمن و برخی آن را عدد شانس و اقبال می‌دانند؟

هم‌چنین وجود هفت امشاسپند یا فرشته در دین زرتشت به نام‌های بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمز، خرداد و امرداد، که با خود اهورامزدا، هفت تن می‌شدند، مؤید توجه ایرانیان به عدد هفت بوده است.

در این مقاله، به شرح مختصری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ی عدد هفت در فرهنگ‌های مختلف جهان، به ویژه در ایران باستان و در اسلام، می‌پردازیم.

عدد هفت در ادیان

علاوه بر این‌ها، هفت آشکده‌ی مهم در ایران به نام‌های آذر مهر، آذر نوش، آذر بهرام، آذر آیین، آذرخرین، آذربرزین و

هفت از قدیمی‌ترین اعدادی است که همواره مورد توجه انسان بوده است و غالباً به عنوان عددی خوش‌یمن و حتی مقدس از آن یاد شده است.

جایگاه ویژه‌ی عدد هفت

فریده گوجان سامانی



آذرتشت وجود داشت. نیز عقیده به این که پادشاهان ایران هفت گنج داشتند که عبارت بودند از نقود، جواهر، البسه، حیوانات، اطعمه، اراضی و باغات، از دیگر جنبه‌های توجه ایرانیان قدیم به عدد هفت می باشد.

در ایران باستان هفت آوای موسیقی وجود داشت که هفت نوای نوروژی خوانده می شدند و عبارت بودند از نوروژ بزرگ، نوروژ خرد، نوروژ کیقباد، نوروژ کیخسرو، نوروژ زرتشت، ساز نوروژ و بار نوروژ. هنوز هم دستگاه‌های اصلی موسیقی ایرانی هفت تا هستند که شامل شور، ماهور، همایون، سه گاه، چهارگاه، نوا و راست پنج گاه می باشند.

از دیگر نمودهای عدد هفت، ساخت دیواری بود به دور شهر اکباتان (یا همدان امروزی)، پایتخت مادها که به دیوار اکباتان معروف شده و شامل هفت دیوار تودرتو می باشد که هفت کنگره داشته و به هفت رنگ سفید، سیاه، سرخ، ارغوانی، آبی، نارنجی و زرد مزین شده بود و بدون شک جزو عجایب دنیای باستان است.

در نوروژنامه‌ی خیام نقل شده که موبد موبدان در روز اول سال با هفت چیز به درگاه شاهنشاهی می رفت که شامل جام زرین از می، انگشتر و دینار و درهم خسروانی، دسته‌ای از سبزه، شمشیر و تیروکمان، دوات و قلم، اسب و باز شکاری و کودکی نیک روی بوده که از این هفت چیز علاقه‌ی ایرانیان را به مهم‌ترین ارکان علمی، دینی، نظامی و اجتماعی درمی یابیم. در عهد سامانیان، بزرگان ملت و شرفای ایران، در محور مملکت‌داری بودند که در هفت گروه جای گرفته بودند.

آرامگاه کورش، مؤسس سلسله‌ی هخامنشیان، در پاسارگاد یا مشهد مرغاب روی قطعه‌ای از سنگ مرمر و به روی هفت پله بنا گشته است. هم چنین در بالای گور داریوش، در دخمه‌ی شاهان هخامنشی، در محل نقش رستم (شیراز)، تصویر شش نفر نقش بسته است که با مجسمه‌ی خود پادشاه که در میان ایستاده، هفت تن می شوند.

درباره‌ی جشن نوروژ در آغاز سال و جشن مهرگان که در هفتمین ماه سال برگزار می شده، نوشته‌اند که در خوانچه‌ای شاخه‌هایی از هفت درخت مقدس یعنی زیتون، بید، انار، به، سرو، سیب و نارنج می گذاشتند و در هفت پیاله، سکه‌ی سفید و نو می گذاشتند. هفت سین در نوروژ، بازمانده‌ی این رسم کهن است.

در افسانه‌های آریایی آمده است که هفت اسب، گردونه‌ی

خورشید را می کشیدند.

در شاهنامه‌ی فردوسی هم داستان هفت خوان مشهور رستم و هفت خوان اسفندیار آمده است.

همین طور مثل هفت آسمان، که کنایه از هفت فلک ماه، تیر، ناهید، خورشید، بهرام، برجیس و کیوان بود، نمودی دیگر از عدد هفت است. البته به عقیده‌ی ایرانیان، هفت سپهر، هریک جایگاه گروه‌های ویژه‌ای بوده است. بدین ترتیب که سپهر اول جایگاه ابرها و سپهر دوم جایگاه اختران ثالث و سپهر سوم جایگاه اختران از نور ناب و سپهر چهارم جایگاه ماه و پنجمی جایگاه آفتاب و سپهر ششم جایگاه امشاسپندان و سپهر هفتم جایگاه خود اهورامزدا بوده است.

در ادبیات نیز عدد هفت نقش خود را به وضوح مشخص می کند و کتاب‌های فراوانی از شاعران و غیر شاعران پارسی که مرتبط با عدد هفت می باشد نام می بریم: هفت پیکر نظامی گنجوی؛ منطق الطیر شیخ عطار مشتمل بر هفت وادی است که سالک باید طی کند؛ هفت جلد جام جم از رضارهنما؛ هفت اقلیم از احمد رازی؛ هفت اورنگ جامی؛ هفت حصار از خواجه عبدالله انصاری؛ هفت بند از محتشم کاشانی؛ در رثای شهیدان کربلا؛ هفت اختر منظومه فارسی از عبدی بیک شیرازی؛ هفت آتشکده، هفت آسیا، هفت آئینه، هفت اژدها، خاتون هفت قلعه از دکتر باستانی پاریزی؛ کوچه هفت پیچ باز هم از دکتر باستانی پاریزی.

ایرانیان تا پیش از نفوذ عرب، خوان نوروژی خود را که امروز به نام سفره‌ی هفت سین می نامند با چیدن هفت چیز در سفره که حرف اول آن با شین بود، تزیین می دادند و آن هفت شین عبارت بود از شمع، شیر، شربت، شکر، شیرینی، شراب، شانه با گلاب. پس از نفوذ اسلام چون شراب حرام گشت، هفت شین تبدیل به هفت سین شد: سیر، سرکه، سیب، سماق، سمنو، سنجد، سبزی و چیزهای دیگر که مخلفات سفره‌ی هفت سین و مایه‌ی برکت سفره است عبارت از شیرینی، نان و پنیر و میوه و سکه، تخم مرغ پخته و رنگ کرده، گل و گلاب و ظرف آبی که ماهی قرمز کوچکی درون آن باشد و نیز حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده که می فرماید روز عید نوروژ هفت آیه‌ای را که اول آن سین است (هفت سین سلام) با گلاب و زعفران و مشک بر ظروف چینی بنویسند و آبش را بنوشند تا یکسال از درد محفوظ مانند:

سلام قولاً من رب الرحیم، سلام علی نوح فی العالمین،

عدد هفت در اسلام

در قرآن کریم آمده: لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع، ... موضوع سماوات سبع و ارضين سبع نه تنها در قرآن کراراً بیان شده، بلکه حضرت امیر نیز تعدادی از خطبه‌های خود را با این جمله و شکر خدایی که خالق هفت آسمان و زمین است، آغاز نموده‌اند.

در کتاب تفسیر اتقان فی علوم القرآن، سیوطی الفاظ را هفت نوع غریب، مغرب، مجاز، مشترک، مترادف، استعاره و تشبیه برشمرده است.

دیگر آن که قرآن، مشتمل بر هفت موضوع است: وعد، وعید، وعظ، قصص، امر، نهی، ادعیه.

هم چنین هفت قلم ثلث، محقق، توقیع، ریحان، رفاع، نسخ، تعلیق؛ و هفت خط که به آن‌ها خطوط جام جم گفته‌اند، خط جور، خط بغداد، خط بصرخ، خط ازرق، خط اشگ، خط فرودینه، خط کاسه سر و مار هفت، از جلوه‌های عدد هفت در نگارش قرآن است. از طرفی مردان خدا شامل هفت دسته‌اند: اقطاب، ابدال، اخیار، اوتاد، نموشه، نقباء و نجباء.

اسلام عدد هفت را با ویژگی تازه‌ای می‌پذیرد. هفت در اسلام، اوجی تازه‌تر و چشم‌گیرتر دارد، چندان که آسمان و زمین را به هفت طبقه تقسیم می‌کند و پایان آسمان را با عدد هفت یاد می‌نماید. دوزخ هفت درب دارد و هفت طبقه عبودیت انسان در برابر خدا با هفت عضو بدن روا گشته.

ترا باید که هفت اندام هنگام نماز اندر

فروسایی به یک تیره در کیش مسلمانی

هفت دوزخ در قرآن به نام‌های سقر، سعیر، لظی، حطمه، جحیم، جهنم، هاویه و همین‌طور هفت چشمه در بهشت به نام‌های کوثر، کافور، میم، سلسبیل، تسنیم، معین و زنجیل، نمونه‌هایی از به‌کارگیری عدد هفت در اسلام است.

به روایتی، زمین و آسمان هفت طبقه دارند و در این زمین هفت طبقه، هفت دریا و هفت کوه موجود است. گناهان اصلی نیز هفت تا است. هفت بار شستن اشیاء ناپاک لازم است^۱ و مراتب هفتگانه در مذهب اسماعیلیه و هفت مردان در آیین تصوف، اشاره به کلمه‌ی هفت شهر عشق در کلام مولوی و هفت وادی سلوک در تصوف که شامل طلب، عشق، معرفت،

سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هارون، سلام علی آل یاسین، سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین، سلام هی حتی مطلع الفجر.

رسوخ عدد هفت در زندگی تا روزگار ما نیز رسیده است، چنان که بعضی از بازی‌ها متأثر از همین نام می‌باشند و یا ضرب‌المثل‌هایی مانند «هفت بارگزنکن، یک بار بیر» و «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی» و «در هفت آسمان، یک ستاره هم ندارد» از آن تأثیر گرفته‌اند و همین‌طور چیدن سفره‌ی هفت سین در عید نوروز و تحویل سال، که یادگاری گران بها از ایران باستان است.



استغنا، توحید، حیرت و فنا است، همه و همه حکایت از توجه به عدد هفت در مذاهب مختلف می‌کند.

شب هفت اموات، از جمله آداب و رسوم پس از مرگ در سنت بسیاری از ایرانیان است و اولین سوره در شکل حاضر مصحف شریف نیز هفت آیه دارد.

عدد هفت در ملل و ادوار مختلف تاریخی

به نظر می‌رسد که بسیاری از فرهنگ‌ها و ادیان و ملل، عدد هفت را کامل‌ترین اعداد دانسته‌اند، به خصوص به دلیل ارتباط عدد هفت با آفرینش، و این که مطابق تورات (سفر پیدایش؛ باب اول، آیات یک تا سی) آفرینش عالم در شش روز (مرحله) تمام شد و روز هفتم خداوند به آرامش و استراحت گذراند؛ که در بسیاری از فرهنگ‌ها، عقایدی مشابه در مورد آفرینش ابراز شده است.

به خصوص اطلاع بشر از هفت سیاره‌ی معروف (آباء سبعة) که قدما تأثیر آن را بر چهار عنصر (امهات اربعه) آب و باد و خاک و آتش موجب پیدایش کل موجودات عالم می‌دانستند، سبب شده که این عدد در نظر بسیاری از اقوام و ملل، تقدس یابد و در اجزا و ابعاد زندگی مادی و معنوی آنان تأثیر گذارد.

ملت یهود عدد هفت را از آریاییان می‌گیرد و هفت فرشته‌ی مقدس برای خود انتخاب می‌کند و به هر یک از آن‌ها یک روز هفته را واگذار می‌کند که احتمال می‌رود انتخاب واحد زمانی هفت روز به نام هفته نیز از عدد هفت آریاییان سرچشمه گرفته باشد. این هفت فرشته عبارت بودند از رفائیل، جبرئیل، شمائیل، میکائیل، زوکائیل، انائیل، کنفرائیل.

اعتقاد به هفت درجه در دین مهرپرستی و هفت ایزد در دین مانوی مثال‌های دیگری از توجه به تقدس عدد هفت هستند.

روزگاری عجایب هفت‌گانه‌ی جهان شهرتی به سزا داشت که عبارت بودند از:

۱. اهرام مصر یا اهرام ثلاثه (که نخستین آسمان خراش جهان به شمار می‌آمدند)؛
۲. باغ‌های معلق ملکه‌ی بابل؛
۳. مجسمه‌ی ژوپیتر یا ژئوس در کوه المپ؛
۴. مجسمه‌ی آپولون (به بلندی صد پا)؛
۵. معبد دیان، الهه‌ی یونان؛
۶. مقبره‌ی ماوزولوس؛
۷. چراغ اسکندریه.

قسمت‌های اصلی اسطرلاب نیز شامل هفت جزء است که عبارتند از: قطب، عضاده، ام، صفحه، آفاقیه، عنکبوتیه، فرس، فلس.

باید به ادوار هفتگانه نیز اشاره شود که هر دو به مدت هزار سال است و متعلق به یکی از سیارات هفتگانه است که گویند چون هزار سال تمام شود، دوره‌ی سیاره‌ی دیگری فرا می‌رسد که از زحل گرفته به ترتیب تا به پایین می‌رسد و بعضی گویند که هر دوری، هفت هزار سال است و چون این‌ها تمام شود، قیامت برپا می‌گردد.

و در دانش ستاره‌شناسی نیز هفت بهر هست که تقسیم هر برج است به هفت قسمت مساوی و دادن هر قسمت به صفتی خاص به کوکبی از کواکب.

زیرنویس
۱. تنها شستن و خاکمال کردن ظروفی که حیوان نجس العین (سگ و خوک) پوزه زده باشند. در سایر موارد سه یا دوبار است.

منابع و مأخذ
۱. فرهنگ اساطیر، دکتر جعفر یاحقی، مجله‌ی رضوان، ویژه‌نامه‌ی نوروز ۱۳۷۹.
۲. اینترنت.

